

نقدی بر هندسه‌ی شهری از دید اخلاق و حقوق اسلامی*

- هادی پژوهنده^۱
- علی پژوهنده^۲

چکیده

انسان‌ها در شیوه‌ی طبیعی زندگی با هم مشترک و هم‌سان‌اند و آن چه آنان را متمایز می‌سازد روش‌ها، سبک‌ها و آیین‌هایی است که برمی‌گزینند؛ و طبعاً به تناسب حجم فعالیت‌ها اشکالات و چالش‌هایی نیز رخ می‌نماید. لذا می‌بینیم دستگاه تقنینی نظام برای حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی مقرر داشته است که پس از تصویب طرح‌های کلان اقتصادی، عمرانی و فرهنگی و غیره نسبت به تهیه‌ی پیوست فرهنگی اقدام شود.

بر این اساس، نویسنده به نقد وضعیت هنر معماری شهر مدرن اسلامی پرداخته و معتقد است که در سبک زندگی معطوف به معماری گذشته، اخلاق و فرهنگ و حقوق، با داعی‌های برخاسته از طبع سلیم انسانی و اسلامی متوازن بوده‌اند؛ لیکن هم اکنون چنین همخوانی در میانه نیست. وی مهم‌ترین علت آن را وام‌گیری از دیگران بدون توجه به فارق‌های ارزشی دینی می‌داند، اما کنار

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۲.

۱. مهندس عمران (نویسنده‌ی مسؤول)

۲. دکتری روان‌شناسی عمومی

نهادن این رویه را نیز به صلاح نمی‌داند زیرا رویکرد به آن ما را با چالش دیگری روبرو می‌سازد.

نوشتاری که پیش رو دارید با تأکید بر پذیرش ضرورت رویکرد به ساخت و ساز مدرن شهری نگاهی به چالش‌های فرهنگی و حقوقی آن با ارزش‌های دینی دارد و هرگز مدعی نیست که نسخه‌ی علاجی نیز به همراه دارد، زیرا اولاً میان کشف مسأله و ارائه‌ی پاسخ استلزامی وجود ندارد؛ ثانیاً تهیه‌ی چنان نسخه‌ای نیازمند تشریح مساعی گروهی از کارشناسان زبده و مجرب معماری به علاوه دین ورزان ماهر و مسلط به مبانی دینی می‌باشد. ساختار نوشتاری مقاله عبارت است از مقدمه و دو بخش عمده که در بخش نخست نگاهی به مؤلفه‌های معماری اسلامی دارد و در بخش دوم با عطف توجه به عقلانیت دینی و ملی به شیوه‌ی ساخت و ساز شهری در دو فاز عمومی و مذهبی نظری انتقادی می‌افکند.

واژگان کلیدی: شهر، معماری، سبک زندگی، مدرنیته، سنت، پیوست فرهنگی.

مقدمه

با اذعان به این مطلب که رویکرد به سبک امروزمین معماری، به خصوص پدیده‌ی آپارتمان (یا به عبارت قدیم‌تر، بالاخانه)، در پی تحول اجتماعی - اقتصادی ایران و گذار از دوره‌ی سنتی به مدرن، به حکم یک ضرورت اتفاق افتاده است و هم اکنون نیز به مقتضای همان ضرورت وجود دارد، بحث را پی می‌گیریم.

مسئله‌ی عواملی همچون هجوم نیروهای کار ارزان از روستاها به شهر و رشد شهرنشینی، به خصوص حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ از سوئی، و کمبود مسکن ارزان از سوئی، و رواج چشم و هم‌چشمی در تجمل و رفاه از سوی دیگر رویکرد به این پدیده را تسهیل نموده است.

پدیده‌ی سبک جدید در معماری نیز همچون همه‌ی پدیده‌های نوظهور، با محاسن خود معایبی به همراه دارد که اگر بخواهیم به طور کلی و از نگاه کلان به مشکلات آپارتمان‌نشینی در ایران نگاه کنیم، باید بگوییم تناقض بین ارزش‌های جدید و قدیم جوامع و سردرگمی خانواده‌ها برای انتخاب بهترین شیوه‌ی برخورد با همسایه‌ها، ریشه‌ی اصلی مشکلات آپارتمان‌نشینی در ایران است» (جلال وند،

(۱۳۹۱).

در ارتباط با برخی دیگر از مشکلات، می‌توان با صرف اندیشه و دور زدن قواعد علمی، بین آنها سازگاری ایجاد نمود. با این حال ظاهراً به نظر می‌رسد که دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یا باید از پیشرفت‌های دیگران پیروی کرد و یا یکسره به آن پشت پا زد و به احیای هنر معماری سنتی خود همت گمارد؛ اما عبور از سد قضا و فرضیه‌های دو وجهی گذشته به ما آموخته است که همواره راه سومی وجود دارد و آن رویکرد به سبک هنر اسلامی با استفاده از ذوق متعالی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام با تأکید بر این مطلب فرموده‌اند:

در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیست‌ها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره‌ی داوود را سعی کردند یک جوری رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان این جوری است. ما مسلمان‌ها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را در همه‌ی کارهای مان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم^۱ (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

بر این اساس، سؤال ما این است که آیا می‌توان شاخص‌هایی را جهت کاربرد فناوری‌های نوین در راستای ارتقای کیفیات فضایی معماری معاصر با حفظ مبانی هویتی معماری ایرانی - اسلامی به نظر آورد و عمل کرد. پیش از آن که وارد اصل مطلب بشویم و در نخستین گام، با این مسأله مواجه می‌شویم که چه رابطه‌ای بین شهر و سبک زندگی است.

رابطه‌ی شهر و سبک زندگی

شهر در این جا به معنای قالب و فضای زندگی جمعی است. با این تعریف به

روشنی می‌بینیم دو عنصر زمان و مکان به اضافه‌ی محتوای انسانی که در آن به فرایندگری می‌پردازند، گام بعدی حرکت را تعیین می‌کنند. با این توصیف مشخص می‌شود که سبک معماری زیستگاه هر گروه انسانی متناسب با سبک زندگی آنان از نظر تقاضای اخلاقی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی، مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و ملی‌شان خواهد بود. با پذیرفتن این مطلب به عنوان یک اصل به اضافه‌ی اصل خدشه‌ناپذیر استقلال که در متن شعار انقلابی ما بوده است، به این نتیجه می‌رسیم که در انتخاب سبک معماری باید از آن سبکی الگو بگیریم که با ارزش‌های دینی و ملی ما تناسب داشته و از هرگونه رنگ تعلق به غیر آزاد باشد، مگر آن که مغایرت و تضادی با آن ارزش‌ها نداشته باشد.

سازندگی و فرهنگ نقد

بحث در چالش موجود در میانه‌ی سبک و فرم‌های رایج در معماری شهرهای اسلامی و عیارهای ارزشی فرهنگ اسلامی به گونه‌ای یک بحث انتقادی و آسیب‌شناختی است؛ با این که چنین سبکی رسمیت یافته و در عرف شهری پذیرفته شده است، چرا باید به نقد گرفته شود؟

اگر درست فکر کنیم به‌روشنی درمی‌یابیم که راز پیشرفت، در گرو نقد و عیار گرفتن گفتارها، کردارها و رفتارهاست. در حدیث امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: محبوب‌ترین دوستانم کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد (حرانی، ۱۴۰۴، ق، ۲۰۸).

نقد و صراف‌ی کلام و اعمال در فرهنگ دینی جایگاه بلند و سفارش شده‌ای دارد. روایتی است از حضرت عیسی علیه السلام که صاحب‌المحاسن آن را آورده است که فرمود: شما باید نقاد و صراف سخن باشید چرا که بسا مطالب انحرافی باشد که با آیه‌ای از کتاب خدا تزیین شده است (برقی، ۱۳۷۱، ق، ۲۲۹/۱).

با این رویکرد می‌سزد که دستگاه‌های تابع نظام، نقد عملکرد خود را از اندیشمندان بخواهند؛ چه آن که به نقد گذاشتن برنامه‌ها و کارها چندین فایده‌ی پنهان و آشکار، خواسته و ناخواسته دارد:

- وجود اشکالات موجود باعث شکست در برنامه‌ها می‌شود و عقل حکم می‌کند که برای پیشرفت در برنامه‌ها این قبیل اشکالات از سر راه برداشته شود. روشن است که اطلاع از این ایرادها نصف پیروزی و در گرو نقد است.

- نفس اعلام آمادگی برای نقد عملکرد خود بر قوت و غنای ذاتی و سلطه‌ی آگاهی و در کنترل بودن امور دلالت دارد.

- این که مردم در این رابطه وارد مسائل خود می‌شوند و پرده از روی شبهات برداشته می‌شود و این همان چیزی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام توصیه می‌نماید که بین خود و مردم حاجب و مانعی روا مدار تا مردم در جریان کارهای تو قرار داشته باشند و دشمنان از طعن تو نا امید گردند، زیرا وقتی مردم با تو در ارتباط بوده و از برنامه‌ها و کارهای تو مطلع باشند القائنات و شایعات بی‌اساس دشمنان بی‌اثر می‌گردد (امام علی، ۱۳۹۵ق، نامه‌ی ۵۳ به مالک اشتر).

با توجه به این مطلب، بحث خود را در دو بخش پی می‌گیریم:

(۱) نگرشی به اصول معماری شهر اسلامی؛

(۲) عقلانیت ساخت و ساز در دوره‌ی اسلامی حاضر.

بخش یکم - نگرشی به اصول معماری شهر اسلامی

عقلانیت معماری شهرها چنان که از تاریخ اسلام برمی‌آید مسأله‌ی مهم رهبران در امر شهر سازی بوده است و بدان اهمیتی بسزا می‌داده‌اند، چنان که در تاریخ تأسیس کوفه و بصره می‌خوانیم این دو شهر بعد از فتوحات ایران بر طبق نقشه‌ی ارائه شده از مرکز خلافت بنا شده بود و در نقشه‌ی جامع و تفصیلی آن نیازهای جمعیتی به لحاظ بافت اجتماعی و موقعیت کرسی داشتن - به ویژه کوفه - برای

ماه نهاوند و ماه همدان و نیز برآورد ازدیاد جمعیت در آینده در نظر گرفته شده بود (پاشا، ۱۳۷۸، ۱۰-۱۱). و چنین چیزی در مورد تأسیس شهر بغداد به وسیله‌ی منصور دوانیقی نیز آورده‌اند (غرض از ذکر نمونه‌ی تاریخی تأکید بر لزوم معنادهی عناصر تمدنی بر هدف دینی در امر شهرسازی می‌باشد).

مؤلفه‌های معماری شهرها

این مؤلفه‌ها عبارتند از:

- نمادها؛

- نهادها؛

- مقتضیات فرهنگ دینی؛

- وضعیت‌های خاص بوم شناختی.

در واقع، وجهی خاص اسلامی دادن به نمای عمومی یک شهر بستگی به تأمین انواع نیازهای مبنایی دارد که مردم آن براساس شاکله‌ی ویژه‌ی خود از نظر اخلاق و اعتقادات و منش‌های فرهنگی و موقعیت‌های خاص انسانی و تاریخی و هنری و... آنها را درخواست می‌کنند، نه نصب تابلوهای شعاری که ضمن بیان‌گر وجهی دینی بودن، قابلیت رفع و جابجایی و تبدیل دارند.

توضیح آن که این مؤلفه‌ها امور ثابتی هستند که در هر دوره بنا به تقاضای عناصر فرهنگی و مدنی‌تبی ممکن است تغییر شکل و چهره بدهند و تمیز بین مستقل و تقلیدی بودن آنها در آئینه‌ی عقلانیت میسر می‌شود. اکنون به گونه‌ی گزارشی از یک‌یک این مؤلفه‌ها سخن می‌گوییم.

الف - نمادها

نمادها، یا سمبل‌ها عبارتند از یک سری نموده‌های بیانی، تصویری و تجسمی که فعلاً بر معانی انتزاعی دلالت می‌کنند و مردم آنها را در زندگی روزمره‌ی خود،

فراوان به کار می‌برند. نمادها اگرچه در زمان تأسیس و وضع اولیه‌ی خود به داعی نیاز و ضرورت کارکردی ویژه و مناسب خود بنیان نهاده شده‌اند، همچون گلدسته که مرتفع‌ترین مکان برای اعلان پیام و آگاهی دادن به مردمان بوده است و شخص می‌توانسته با دور زدن در راهرو دایره‌ای آن، صدای خود را به همه سمت شهر برساند. این گلدسته‌ها که مأذنه نیز نام دارند اکنون تنها جنبه‌ی نمادین یافته و معنای مورد نیاز دیگری را القا می‌کنند، همچون تمثیل دو دست بر دعا در میان گنبدی که نمادی از سر می‌باشد (ر.ک: کاظمیان، ۱۳۸۷).

نمونه‌ی دیگری از آن، شاخص‌ها هستند یعنی همان استوانه‌هایی که در برخی از میادین پس از انقلاب نصب شده و روی آن ذوزنقه‌ی قائمی با زاویه‌ی حاد روبه بالا قرار دارد. این شاخص‌ها نیز که برای تعیین زوال ظهر مورد استفاده بوده‌اند اکنون که دسترسی به امکان‌های پیشرفته‌ی الکترونیک وجود دارد نقش یک نماد را ایفا می‌کنند (همچون یادآوری نماز).

حلقه‌ها و کوبه‌های روی درب منازل قدیمی نیز در روزگار گذشته دارای معانی مرتبط با فرهنگ دینی و ملی مردم بوده‌اند، چرا که روی دو لنگه‌ی درب، دو نوع کوبه وجود داشته که یکی همانند چکش و سندان صدای بم تولید می‌کرده و دیگری همچون حلقه‌ای بر تخته‌ی آهنی آویزان، صدای زیر از خود تولید می‌نموده است. اولی را مردان به صدا درمی‌آورده‌اند تا معلوم باشد که برای پاسخ‌گویی باید مردی مراجعه کند و دومی را زنان، تا مسأله‌ی عفت عمومی حفظ شود. این اشیاء اکنون اگر مورد استفاده قرار گیرند برای تزیین هنری یا یادآوری عفاف اسلامی یا جنبه‌ی تاریخی آثار ملی به معنا می‌نشینند.

ب - نهادها

نهادها عبارتند از اماکن عمومی عام‌المنفعه‌ی ملی یا حکومتی همچون قلعه‌ی مرکزی، مسجد جامع، مدارس، تکایا، محکمه‌ها، دارالاماره‌ها، میادین مخصوص

کاروان‌ها، کاروان سراها و رباط‌ها و آب‌انبارها و

در معماری شهر اسلامی قدیم همه‌ی این‌ها به گونه‌ای در نقشه قرار می‌گرفته‌اند که در مجموع، پاسخ‌گوی نیازهای اساسی بوده، مکمل معنای یکدیگر باشند. از باب نمونه، مدارس در کنار مساجد یا در داخل آن قرار می‌گرفته‌اند، و چنان که در نقشه‌ی شهر کوفه ثبت شده است، دارالحکومه در کنار مسجد جامع و دارای ممری به داخل آن بوده است. میادین کاروان‌ها نیز در جایی قرار می‌گرفته‌اند که فاصله‌ای تا مسجد جامع و بازار نداشته باشند که این امر به منظور ایجاد تسهیلات رفاهی برای مسافران در نظر گرفته می‌شده است. گفته می‌شود فلسفه‌ی ساخت حجره در اطراف صحن‌های مطهر امام رضا علیه السلام اسکان زایران بوده است تا با استفاده از آنها نیازشان به شهروندان رفع شود (چنان که موقوفاتی نیز برای رفاه زایران وجود دارد).

ج - مقتضیات فرهنگ دینی

این عنوان کلیه‌ی بنیادها و اماکن عمومی را با عطف نظر به کمک در رسوخ اعتقاد دینی شامل می‌شود (از این جهت که ضمن دارا بودن بار مدنیت مادی، حامل بار معنوی هستند). مثلاً در معماری یک منزل آن چه به علاوه می‌تواند خوانش فرهنگی و دینی تلقی شود سبک مهندسی آن است؛ مثل آن که درب در میان شرفه (ایوان کوچک) ای قرار می‌گیرد که دو تخت گلی در دو طرف تعبیه شده است و بر روی درب‌ها نیز دو کوبه‌ی متفاوت نصب شده، و پس از ورود ابتدا وارد صحن بیرونی می‌شویم که همچون میدان کوچکی است با تخت‌هایی در اطراف و حوضی در وسط و دو یا چند درب از آن باز می‌شود که یکی یا دو تا از آنها به اندرونی باز می‌شود و برخی دیگر اطاق‌هایی برای پذیرایی میهمانان غریبه هستند. خود این سبک همان چیزی است که روح غیرت دینی و حفظ ناموس آن را فراخوانی می‌کند^۲ درست به عکس سبک متداول امروزی که با باز

شدن درب به روی تازه وارد تمام محیط زندگی خانواده به نمایش گذاشته می‌شود.

د - وضعیت‌های خاص بوم شناختی

این وضعیت‌ها عبارتند از ترتیب یافتن محلات، برج و باروها، دژها، ایوان‌ها، شانشین‌ها و بادگیر منازل، مدور یا مخروطی یا مکعب بودن سقف‌ها، نوع مصالحی که برای عمران از آنها استفاده می‌شود، نموده‌های هنری و باریافتگی ذوقی صنعت‌گران ایرانی، که در نمای عمومی شهری نشان داده می‌شوند.

البته نیاز به توضیح دارد که این سبک معماری سنتی مربوط به قوم و ملت خاصی نبوده، بلکه در دوره‌های گذشته عموماً سقف خانه‌ها گنبدی بوده، و کاخ امرا و حاکمان نیز به همان سبک لیکن بلند و بزرگ بر روی رواق یا تالار مرکزی بنا نهاده می‌شد. بر این اساس بناهای مذهبی نیز از آن تبعیت نموده بر روی تاق یا رواق و تالار اصلی، گنبدی در شأن شخصیت منسوب به آن گذاشته می‌شد. یکی از کارشناسان در ارتباط با پیشینه و چگونگی نشر آن به سرزمین‌های اسلامی اظهار می‌دارد:

با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان الگوی معماری بناهای دینی با تبعیت از الگوی عام ساختمان سازی در این شبه جزیره، الگویی ارگانیک و غیر نمادین و صرفاً شامل فضایی وسیع برای استفاده عموم پیروان دین بود، اما انتقال مرکز خلافت در دوره اموی به دمشق و صدور اسلام به سرزمین‌های دیگر همچون ایران، شام، مصر و آندلس و ترکیب آن با اندوخته‌های هنری و معماری و همچنین آیین‌ها و اعتقادات دینی این سرزمین‌ها ترکیباتی بدیع و بسیار با ارزش ایجاد نمود^۳ (حیدری، ۱۳۸۷).

با رویکرد به این معنا راز سبک معماری بناهای مذهبی نیز برملا می‌شود. رویکرد به طرح گنبد، تابع ضرورت دوره‌ای است که مساحت وسیع شبستان‌های

مساجد، تکایا و حسینیه‌ها به سبک سقف‌های مسطح امکان‌پذیر نبوده و چاره‌ای جز روی آوردن به طرح تیغه - لنگه و سبک چارسورکی برای تأسیس گنبدی رفیع بر بلندای آن نبوده است. بر این اساس چنان که یکی از کارشناسان معتقد است، امروزه رواج این امر تابع یک امر فرهنگی سنتی است و هر فرمی غیر آن به علت منطبق نبودن با ذهنیات عامه مقبول نمی‌افتد (ر.ک: وفامهر، ۱۳۹۲، ۱۳۶). البته بحث درباره‌ی مآذنه‌ها به گونه‌ی دیگری است، آیا نمادی از گلدسته است و یا یادگاری از مناره‌ها در آئین زرتشتی، و یا میل راهنمای کاروانیان و یا چیز دیگری؟ در این جا از آن بحث نمی‌کنیم.

به هر حال، این گونه نمودهای تمدنی، امروز می‌توانند منطبق با تقاضای وضع فعلی اهالی شکل بگیرند اما اصل شاخصه‌هایی از این قبیل باید وجود داشته باشند تا بر تشخیص فرهنگی و دینی مردم دلالت نمایند. شما به هر سرزمینی که سفر کنید ویژگی‌هایی از این گونه را مشاهده خواهید کرد، زیرا این‌ها برخاسته از تیپ اجتماعی، درخواست‌های فرهنگی، اقتضاها‌ی خاص جغرافیایی و انسانی و سایر خصوصیات انسانی می‌باشند. اکنون نیز می‌توانیم به عنوان حفظ استقلال ملی، مؤلفه‌های مزبور را برخاسته از عقلانیت دینی خود براساس درخواست‌های ویژه‌ی فرهنگی داشته باشیم، و این چیزی است که لبه‌های نقد متوجه آن است. مقام معظم رهبری علیه السلام (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) با تأکید بر حفظ هویت اسلامی و تناسب معماری با ویژگی‌های بوم شناختی فرموده‌اند:

خدمات متنوع در شهرها و روستاها از جمله ساختمان‌سازی‌ها، احداث خیابان‌ها، نام‌گذاری‌ها و زیباسازی‌ها باید ضمن همخوانی با پیشرفت‌های روز، با معماری ایرانی، اعتقادات دینی، بافت اجتماعی و شرایط آب و هوایی هر منطقه نیز متناسب باشند.^۴

همچنین در ارتباط باحفظ نمادهای ملی و دینی، در اجتماع مردم قم اظهار

داشتند:

﴿۱۹۷﴾

ساخت و سازهایی انجام می‌گیرد؛ حتماً در این معماری‌ها باید ملاحظه کنند که معماری اسلامی باشد؛ نمادهای انقلاب در این شهر، در معماری‌ها مشاهده شود.^۵ (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

ناگفته روشن است که منظور نویسنده در بیان محاسن معماری سنتی سازگاری آن با فضای ارزشی دینی در آن بازه‌ی زمانی خود بوده است، نه ترویج سبکی تولید شده در کارگاه هنر اسلامی برای همیشه.

بخش دوم - چالش معماری مدرن با ارزش‌های فرهنگ دینی

شهر و شهرنشینی پدیده‌ای است از دیرزمان جامعه‌پذیری انسان. شهرنشینی آئینه‌ی مدنیت انسان نیز هست و عیار درخشش انسان در این زمینه، میزان پیشرفت وی در آن می‌باشد.

عنوان «پیشرفت مدنیت» برای انسان یک امر نسبی، و تابع ارزش‌های ویژه‌ای است که هر گروه از انسان‌ها از آن برخوردار هستند و به همین خاطر کشورهای متمدن، در کنار برنامه‌های کلان اقتصادی صنعتی و عمرانی خود پیوست فرهنگی دارند تا از هدم و آسیب‌رسانی به ارزش‌های فرهنگی و دینی آنان جلوگیری به عمل آید.

در جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه^۶ (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، ماده‌ی ۲ تصریح به این مطلب دارد که بعد از آن که طرحی مهم تشخیص داده شد لازم است پیوست فرهنگی داشته باشد. در این آئین‌نامه پیش بینی شده است که اگر بعد از شش ماه از ابلاغ مهم بودن طرح، و لزوم داشتن پیوست فرهنگی مطالعات آن آغاز نشد، برنامه و بودجه از تخصیص منابع آن جلوگیری کند (بنیانیان، ۱۳۹۲). این موضوع تأکیدی است بر اهمیت پیوست

فرهنگی. بدیهی است تضمین نتیجه در گرو نقد و بررسی مسائل مربوط به این حوزه توسط محققان بویژه پژوهشگران فرهنگی می‌باشد. با این حال در این قسمت در صدد بیان و بررسی همه‌ی چالش‌های فرهنگی طرح‌های عمران شهری نبوده، تنها به ذکر چند نمونه‌ی حساس از نظر فرهنگ دینی بسنده می‌نماییم.

۱) رعایت نشدن حق همجواری

انسان موجودی جمع‌گراست و زندگی در جمع مستلزم رعایت محدودیت‌هایی به عنوان حقوق، قوانین و مقررات جمعی است که در زندگی فردی کم‌تر وجود دارند. وجود چنین محدودیت‌هایی از دیر زمان مورد التفات خردمندان و کارگزاران سیاسی جوامع بوده، و ادیان الهی و از آن جمله اسلام نیز بر آنها تأکید دارند.

در مسائل حقوقی مربوط به حق همجواری در اسلام حقوقی در نظر گرفته شده است به نام حق همسایه.

حقوق همسایگان بر یکدیگر بسیار است و میزان تأکید بر رعایت این حقوق نیز به اندازه‌ای است که گاهی ممکن است با حقوق خویشاوندی اشتباه شود. از عمده حقوق همسایه تراحم نداشتن نسبت به یک دیگر از نظر سلب آسایش، سلب نور، سلب هوای آزاد، سلب بهداشت روانی و سلب امنیت است.

به چند حدیث از امامان معصوم علیهم‌السلام روی می‌آوریم:

امام سجاده علیه‌السلام در رساله‌ی خود معروف به حقوق می‌فرماید:

حق همسایه‌ات این است که وقتی نیست حفظش کنی و آن گاه که هست احترامش کنی و اگر مظلوم واقع شود یاری‌اش کنی و هیچ دنبال کشف رازش نباشی با این حساب اگر امر زشتی از او دیدی می‌پوشانی‌اش و اگر می‌بینی از تو نصیحت‌پذیری دارد در خلوت نصیحتش می‌کنی در سختی ره‌ایش

نمی‌کنی و همواره سعی می‌کنی از بار گران‌ش کم کنی و خطایش را ببخشی و با بزرگواری با او همدمی کنی و (بدان که) هیچ نیرویی جز از ناحیه‌ی خداوند نیست (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۶۲۳/۲).

در حدیثی پیامبر ﷺ به ابوذر می‌فرماید:

موقع پخت و پز شورها را زیاد کن و همسایگانت را به خاطر بیاور و کسی که همسایه‌اش را اذیت کند لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی بر اوست (احسائی، ۱۴۰۵ق، ۲۵۶/۱).

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

در کتاب امام علی علیه السلام خواندم که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مهاجرین و انصار و وابستگان یثربی‌شان مقرر فرمود که همسایه همچون جان خود است. نه ستم می‌بیند و نه مورد تعرض واقع می‌شود و حق حرمت همسایه چون حق حرمت مادر است (کلینی، ۱۳۶۵، ۶۶۶/۲).

اهمیت حقوق همسایگان در اسلام به قدری زیاد است که هر کدام از کتب روایی و حدیث یک باب مفصل درباره‌ی حق همسایه و حرمت تضییع حقوق او آورده‌اند.

امام رضا علیه السلام از پدران خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که از ایشان سؤال شد یا رسول الله در اموال ما جز زکات حقی است؟ فرمود: آری نیکی به خویشاوند آن‌گاه که او پشت کند و همچنین پیوند با همسایه‌ی مسلمان. به من ایمان نیاورده است آن که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. سپس فرمود همواره جبرئیل درباره‌ی همسایه به من توصیه می‌کرد تا جایی که گمان مردم شاید ارث هم ببرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۲/۹).

در سیره‌ی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که شخصی از انصار خانه‌ای خریده بود که به قول خودش علاوه بر این که از خیر همسایه‌اش برخوردار نبود، از شرش نیز امنیت نداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام و سلمان و اباذر و

گمانم (سخن راوی) مقدار دستور دادند که بروند در کوچه‌ها با صدای بلند اعلام کنند که ایمان ندارد آن که همسایه‌اش از شر او امنیت نداشته باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲/۱۲۵).

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که درب خانه‌اش را از ترس همسایه نسبت به خانواده و مالش ببندد، آن همسایه مؤمن نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس به حقوقی که همسایگان بر یکدیگر دارند پرداختند و از زمره‌ی آنها به مسأله‌ی مرتفع سازی اشاره نمودند که نباید بدین وسیله موجب آزار همسایه را با اشراف بر داخل منزلش و جلوگیری از وزش باد فراهم کند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ۸/۴۲۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی که صاحب *روضه الواعظین* از طریق اسناد خود از ایشان روایت کرده است فرمود:

آیا حق همسایه را می‌شناسید؟ مسلم جز اندکی از آن را نمی‌داند. آگاه! به خدا و روز قیامت ایمان ندارد آن که همسایه‌ی او از گزندهایش ایمن نیست. همسایه وقتی قرض بخواهد باید به او داد؛ وقتی امر خیری به او روی آورد باید به او تهنیت گفت؛ وقتی روز بدی برای او پیش آمد باید او را تعزیت گفت؛ در امر ساخت و ساز بدون اجازه‌ی او نباید بنای خود را آن قدر بالا برد که خانه‌اش را سایه کند و جلوی باد را بگیرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی نساء را که درباره‌ی همسایه نازل شده است قرائت فرمود (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ۸/۴۲۴).

رعایت این حقوق در نظام شهری کنونی با این تبعات کنار رفته و غیر عملی است. در این رابطه به چند نکته اشاره می‌شود.

۱-۱) حفظ حریم همسایه در نصوص دینی

در رابطه با حق حفظ حریم عرضی، ناموسی و مالی همسایه روایاتی از رهبران دینی وارد شده است و در بعضی متجاوز به حریم همسایه را تا مرز مهدورالدم و

بی‌دیه توصیف کرده‌اند. حدیث زیر از این گروه است:

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: عورت مؤمن بر دیگری حرام است (عورت: هر چیزی که به لحاظ دینی و یا فرهنگی دیدن آن را خوش ندارند). و فرمود: کسی که به منزل شخص مؤمنی سرکشی کند در آن حال چشمانش بر آن شخص حلال است و آن که بدون اجازه وارد منزل شخص بشود خونس بر آن مؤمن در آن حالت مباح است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱۰۴/۴).

البته نیاز به توضیح دارد که حکم ارشادی است و در مقام اجرا احتیاج به طی مقدمات قضا نزد حاکم شرع و صدور حکم از مقام قضایی صالح دارد، اما آن چه برای ما در این جا از این گونه احادیث به دست می‌آید شدت اهمیت به حفظ حریم همسایه و مؤمنان است.

دلالت ضمنی این حدیث بر منع تمهیداتی است که موجب تضییع حقوقی از این دست بشود، مانند اشراف بر ساختمان همسایه به گونه‌ای که خود به خود حق او ضایع شود.

نکته‌ی دیگر در این زمینه توجه به حریم دلالتی قاعده‌ی لاضرر است.

در کشورهای اسلامی احکام فقهی به مثابه قوانینی کلی به شمار می‌رفتند که ساختار انبیهی شهری را منظم می‌کردند. این احکام از مفاهیم اصیل اسلامی از قبیل حق مالکیت خصوصی و آزادی تصرف در آنها و... براساس معاملات مختلف اسلامی برگرفته شده‌اند، ولی این آزادی مطلق نبوده و براساس قاعده‌ی «لاضرر» دارای حد و مرزی می‌شود که شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی را نیز تحت کنترل داشتند. گسترش شهر نیز تابعی از قوانین «جلب منفعت و دفع ضرر» بوده است (عبدالستار، ۱۳۷۶، ۱۲۳-۱۲۲؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۹).

براساس قاعده‌ی «لاضرر» تصرفات در ملک شخصی باید مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد که سبب اضرار به دیگران نگردد، لذا این قاعده می‌تواند به عنوان

مینا و زیربنای ضوابط و مقررات شهری قرار گیرد (سیفیان، ۱۳۷۷، ۷۳؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۹).

در اسلام اضرار به دیگران مجاز نیست، هر چند به نام اجرای حق باشد (لاضرر و لاضرار فی الاسلام) و هر جا قاعده تسلیط با قاعده‌ی لاضرر برخورد کند، حکومت با قاعده لاضرر است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۰۷-۱۰۵؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۹). شاهد این مدعا حدیث معروف سمره است:

امام باقر علیه السلام فرمود: سمره بن جندب در محوطه‌ای که متعلق به یکی از انصار بود درخت خرماى بارداری داشت و راه ورود به آن محوطه از خانه‌ی مسکونی مرد انصاری بود. سمره برای سرکشی درخت خود بدون اجازه وارد خانه‌ی او می‌شد.

مرد انصاری از وی خواست هر بار قبل از ورود به منزلش اجازه بگیرد ولی سمره به درخواست او توجه نمی‌کرد؛ مرد انصاری شکایت نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله سمره را احضار کرد و گفته‌های شاکی را به اطلاعش رساند و از او خواست بدون اجازه وارد منزل انصاری نشود، اما سمره از آن سر باز زد. حضرت با مشاهده‌ی این وضع پیشنهاد کرد که درخت را به او بفروشد. سمره از معامله‌ی درخت نیز خودداری کرد و برای فروش آن ولو به چند برابر قیمت حاضر نشد. سپس حضرت او را به جنبه‌ی معنوی ارشاد نمود و در مقابل استجازه یا فروش درخت به وی وعده‌ی پاداش اخروی داد، ولی سمره باز هم نپذیرفت.

در این موقع رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مرد انصاری فرمود: «أَذْهَبَ فَأَقْلَعَهَا وَارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ»؛ برو درخت را از ریشه برآور و نزد وی بینداز! اسلام دین ضرر دیدن و ضرر رسانی نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ۲۹۲/۵).^۷

از این روی، براساس مفاد فقهی قاعده‌ی مزبور علمای فرق اسلامی و حقوق‌دانان توانسته‌اند استنباط منع باز شدن روزن و پنجره به حریم بصری همسایه نمایند (مرتضی، ۱۳۸۷؛ ولی‌پور، ۱۳۸۷).^۸

﴿۲۰۳﴾

کلمات کلیدی	قاعده «لا ضرر» در قانون مدنی جهت حفظ حریم خانه‌ها
ضرورت اذن رفع ضرر	ماده‌ی ۱۳۰: کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن او خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود.
ممنوعیت ضرر متعارف و عرف رفع حاجت و ضرر	ماده‌ی ۱۳۲: کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.
در و پنجره روزنه و شبکه همسایه	ماده‌ی ۱۳۳: کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند، اگر چه دیوار ملک مختصی (مخصوص شده) او باشد لیکن می‌تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلوی روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود (ولی‌پور، ۱۳۸۷، ۴۵).

جدول موارد قانونی قاعده‌ی لا ضرر در حریم بصری^۹

۲-۱) حد و مرز همسایگی

وقتی سخن از همسایه و حق همسایه به میان می‌آید طبعاً این سؤال هم پیش می‌آید که حد و مرز همسایه تا کجاست. براساس تعالیم اسلامی حریم همسایگی از هر سوی تا چهل خانه در بیان رهبران دینی اسلام تعیین شده است.

معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام از حد و حریم همسایگی پرسید. امام علیه السلام فرمود چهل خانه از هر طرف (حر عاملی، همان، ۱۳۲/۱۲ - ح ۹۰).

امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده که ایشان پس از حل دعوایی مربوط به تضييع حق همسایه به علی علیه السلام و سلمان و مقداد رضی الله عنهم دستور دادند با صدای بلند اعلام نمایند که هر کس همسایه‌اش از مشقت‌های او آسوده

نباشد ایمان ندارد؛ آن‌گاه پیامبر ﷺ با دست خود به هر سوی تا چهل خانه اشاره نمود - و حریم همسایگی را مشخص فرمود - (حر عاملی، همان، ۱۲/۱۲۰ - ح ۸۶).

آن چه در برد خارج لفظ از این حدیث (و احادیث دیگری در همین مضمون) استفاده می‌شود، مرز همسایگی در جامعه‌ی اسلامی، همگی قلمرو یک محله را شامل می‌شود.

۲) مراعات نشدن روابط عاطفی

آن چه در شهری شدن مد نظر بوده و باید باشد، تجمع انسان‌ها و تجمیع نیروی مادی و معنوی برای حل مسائل و رفع نیازهاست که در گرو یگانگی ارواح و نفوس مردمان است. به عبارتی دیگر فلسفه‌ی شهرگرایی واحد شدن و متمرکز شدن اجزا و پراکنده‌ها در نوع انسان است. حال آیا در عینیت شهر کنونی چنین چیزی تحقق یافته است؟ به نظر می‌رسد عکس این منظور بیشتر محقق باشد.

اهالی یک محله و دست کم ساکنین یک کوچه در نظام شهر قدیم با یک دیگر روابط نزدیک شبه خویشاوندی داشتند و در مسائل و مصائب روزگار به یاری هم می‌شتافتند؛ به عکس نظام شهری جدید که حتی ساکنان یک مجتمع مسکونی و حتی طبقات یک آپارتمان به ندرت یکدیگر را می‌شناسند. با این وجود می‌بینیم که فلسفه‌ی شهری شدن در شهرهای مدرن از بین رفته است.

تصویر درست انسان شهری امروز همان تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود: أيتها الناس المجتمعة ابدانهم المختلفة اهوائهم... (امام علی، ۱۳۹۵، ق، ۷۲) که تنها سازمان دهی سیاسی و کشوری به آنان رابطه‌ی ارگانیک می‌دهد.

۳) خانه‌های بی‌حجاب

یکی از مواردی که درخور نقد جدی است، برآورده ساختن نیاز به مسکن برای

جمعیت مترکم و انبوهی است که به شهرهای بزرگ روی آورده‌اند و تولید نیاز مضاعف نموده‌اند، که برای حل آن به تقلید غریبان به تولید انبوه‌سازی و آپارتمان و برج و امثال آن روی آورده‌ایم.

شهر اسلامی قدیم منعکس‌کننده‌ی قواعد شریعت (قوانین اسلامی) به صورت روابط فیزیکی و اجتماعی بین حوزه‌های عمومی و خصوصی، و بین همسایگان و گروه‌های اجتماعی بوده است. [با این وجود،] اصل محرمیت به صورت یک قانون در میان اهالی حکم می‌نمود که ارتفاع دیوارها را بالاتر از ارتفاع فرد سوار بر شتر بنا کنند. این مورد به علاوه قوانین حقوق مالکیت، فاکتورهای هستند که تعیین‌کننده‌ی فرم شهر اسلامی است^{۱۰} (ر.ک: پور یزدان پرست، ۱۳۸۹).

اگر درست دقت کنیم درمی‌یابیم که سبک منازل ویلایی یا همان بر کرسی قدیم، که اطراف آن را یک چارادیواری محصور کرده باشد این دیوار در حکم حجاب است، یعنی این گونه‌خانه‌ها حجاب دارند. این گونه بناها متناسب با فرهنگی است که در آن حجاب موقعیت دارد و رکن مهمی از اخلاق را در زندگی تشکیل می‌دهد؛ در همین رابطه به منازل چند اشکوبه یا آپارتمانی و یا آن چه در اصطلاح مهندسی به آن تراکم متوسط و بالا می‌گویند می‌نگریم، می‌بینیم درست به عکس، این گونه خانه‌ها امنیت دیدزنی از بیرون ندارند و از پنجره‌ی مقابل یا حتی از داخل خیابان تمامی داخل خانه دیده می‌شود و اگر زنی از داخل خانه به روی بالکن یا تراس که در حکم صحن حیاط است بیاید در معرض دید تماشاچیان است و هیچ ایمنی از نظر دوزی اشخاص و یا عابری ندارد. بنابر این چنین خانه‌ای بی‌حجاب است.

البته برای نویسنده روشن است که رویکرد به آپارتمان در کشور ما یک نیاز و ضرورت است، و دلیل آن هم این است که معمولاً همین که وسع‌شان اقتضا کند

آن را به ویلایی تبدیل می‌کنند؛ اما باری به هر جهت اکنون که باید به ناچار از کوچه‌های عمودی عبور کرد و زندگی را در آسمان گذرانید و مانند محکومین زندان انفرادی در یک سلول بدون امکان استفاده از صحن حیاط مشجر و فضای لازم برای بازی کودکان و استفاده از هوا و گاهی نور، عمر خود را سپری کرد - که مسئولین باید فکری برای آن بکنند - چگونه می‌توان این محیط زندگی را تا حدودی مساعد کرد؟

از این رو، با پذیرش این ضرورت از سویی، و این مصیبت فرهنگی از سوی دیگر، و نیز اخلاق دینی شهروندانی که به ناچار تن به چنین زندگی باید بدهند و در مسکن بی‌حجاب به سر برند چه طرحی می‌توان ریخت که جلوی آفات بی‌حجابی آن گرفته شود؟

آن چه متذکر شدیم کلیتی بود از هنر معماری که در هر عصر و نقطه‌ی جغرافیایی، طبیعتاً باید ملحوظ واقع شود، هر چند که اجرای آن مستلزم در نظر داشتن امکانات مادی متناسب با پیشرفت فرهنگ مادی انسان‌ها می‌باشد، و لذا در شکل و نمود و شیوه‌ها با یکدیگر متفاوت بوده، هر کدام - در هر عصر و مکان - بیانگر وضعیت فرهنگ مادی و معنوی خویش است.

ملاحظه و تأمل

با همه‌ی آن چه ذکر شد، نباید از یاد برد که برخی از مشکلات زندگی در این گونه محله‌های عمودی ناشی از سبک معماری نیست و ریشه در نافرنگی دارد. مثلاً یکی از تبعات منفی سکونت در مجتمع‌های مدرن، تزاخم و سلب آسایش و ایراد لطمه به حقوق دیگران ناشی از رعایت نکردن آموزه‌های فرهنگی و آداب مربوط به آپارتمان‌نشینی است.

بحث پایانی - باستان‌گرایی، جدال با ثبت هویت

براساس آن چه در رابطه با نمادها مطرح شد، خود به خود این نقد بر معماری

مذهبی ما وارد است که از دهه‌ی پنجم این سده، تمامی هم خود را مصروف تقلید از هنر و سبک دوره‌های پیشین و نگه‌داشت هنر معماری در ورطه‌های پیشرفت اعصار قبلی نموده‌ایم؛ چنان که در آینده‌ی نه‌چندان دور، برای تحلیل‌گر تاریخ این عصر، دانسته نمی‌شود که این اثر متعلق به عصر افشاری است یا عصر انقلاب اسلامی. یکی از کارشناسان در این زمینه می‌گوید:

معماران مورخین هنری تاریخ و دوران هستند با هنرآفرینی خود در دل تاریخ جای دارند؛ باید زمان احداث بنا را شناخت و وادی اظهار نظر نیز باید مشخص شود. بنابر این یک اثر معماری و خلاقیت‌های موجود در آن فقط زمانی مشهود است که بتوان وارد آن وادی [شد] و آن را کاملاً رؤیت نمود و آن فضا را حس کرد (علی‌آبادی، ۱۳۹۲).

برای پژوهشگر تاریخ تمدن، هنر و معماری روشن است که سبک معماری قدیم به لحاظ محدودیت‌های تمدنی و اقتضائات بوم شناختی به شیوه‌ی صحن و سرا، ایوان و گنبد و دالان و حوضخانه، مطبخ‌خانه، بنه‌دان و اصطبل حیوانات و محل ذخیره‌ی سوخت هیزمی بوده است؛ همان که امروز در ساخت بناهای تاریخی به چشم می‌خورد.

معماران عصر افشاری یا سلجوقی یا عباسی به دلیل نبودن امکاناتی که اکنون ما در اختیار داریم و نبود پیشرفت‌های علمی، ناچار از رویکرد به اجرای شیوه‌هایی بوده‌اند، همچون دیوارهای عریض و پایه‌های عریض‌تر، تیغه و لنگه، سقف ضربی و چارسورکی، و با استفاده از مصالح ساده، همچون چوب و گز و گچ و سنگ، و حد اکثر استفاده از ساروج به جای سیمان^{۱۱}. این در حالی است که ما امروز می‌توانیم با بهره‌گیری از پیشرفت‌های به دست آمده، ابداع‌گر قصرها و مسکن بهشت گونه، در مساحتی به مراتب کم‌تر، و گنجایشی افزون‌تر، و نمایی دل‌انگیزتر باشیم؛ تا شاهدانی بر اعتلای فرهنگ مادی و معنوی عصر ما در آینده

بر آن گواهی دهند و در عین حال امروز هم، در مساحت و فضا صرفه‌جویی کرده باشیم!

به نظر نگارنده رویکرد تمام و کمال و غیر مبتنی بر عقلانیت به هنر سنتی، نوع غیرمقبولی از باستان‌گرایی است. سبکی است که نتیجه‌ی آن خالی‌نگه داشتن این مقطع زمانی از مکتب هنری و معماری دینی ویژه‌ی خود می‌باشد و مسلماً قضاوت درست و تحسین‌آمیزی در آینده در پی نخواهد داشت. در مقابل، به فراموشی سپردن هنر و معماری سنتی خبط نابخشودنی و خودباختگی فرهنگی است.

نتیجه براساس تحقیق انجام شده (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۱):

بهره‌گیری از فناوری‌های نو در ترکیب با عناصر و فرم‌های بومی و سنتی به صورت فرمال یا عملکردی و همچنین استفاده از آنها در جهت حل مسائل اقلیمی منطقه، از الگوهای اساسی در به کارگیری فناوری‌های نو در معماری معاصر ایران محسوب می‌شوند. از طرفی بهره‌گیری از فناوری‌های نو در حفظ ارزش‌های خاص فرهنگی - اجتماعی منطقه و اصول معماری سنتی در کنار قواعد، شرایط و ضوابط جدید، به دلیل توجه به الگوی رفتاری مخاطبان، از الگوهای مطلوب جهت استفاده از تکنولوژی روز در فضاهای زندگی معاصر به شمار می‌آید. بهره‌گیری از فناوری‌های نو و مصالح جدید در ساخت آرایه‌ها و تزیینات و استفاده از رنگ و مصالح بومی و سنتی به صورت سمبلیک، هماهنگ یا در تقابل با مصالح مدرن نیز از بهترین الگوهایی است که می‌تواند با به کارگیری روش‌های نوین ساخت و مصالح جدید به سرعت و افزایش روزافزون نیازهای دنیای معاصر پاسخ گوید.

ارائه‌ی چند راهکار چاره جویانه

۱) در ارتباط با مسکن و زندگی

در این بخش، صرفاً به عنوان نمودی از امکان برون شد از بن‌بست از طرفی، و کم شدن فشار تراحم از طرف دیگر، نمونه‌وار به چند مورد اشاره می‌شود:

- تنوع دادن در سمت دهی بلوک‌ها (به گونه‌ای که هر بلوک رو به سمتی باشد تا داخل یک خانه از خانه‌ی روبرو رؤیت نشود)^{۱۲}.

- ایجاد فاصله‌های استاندارد در مجتمع‌های پر تراکم، متناسب با ارتفاع و فاصله‌ی لازم از فضای مشجر در تراکم محدود.

- ایجاد پارک و بوستان بین بلوک‌ها.

- استفاده از روکش‌های الوان و شفاف آئینه‌ای در جدار یا نمای خارجی ساختمان‌ها، به گونه‌ای که تنها دید از داخل باشد.

- استفاده از پنجره‌های آویز به جای کشویی و لنگه‌ای، به گونه‌ای که موقع باز کردن آن برای ورود هوا داخل خانه‌ها دیده نشود.

و...

در خصوص این گونه مجتمع‌ها باید این نکته را نیز مد نظر قرار داد که یک فاز عمرانی شامل چند مجتمع که هر کدام شامل چند بلوک است در حکم یک محله‌ی پر جمعیت است و گاهی هم در حکم یک شهرک، و از این روی باید در هنگام تأسیس آنها بانیان را ملزم به ایجاد اماکن عمومی رفاه همچون فضای آموزشی، فضای تفریحی، فضای فرهنگی ورزشی و کتابخانه و آمفی‌تئاتر و سینما و کلوب‌های نمایشی، مراکز رفاهی مانند فروشگاه‌های مختلف، فضاهای مذهبی چون مسجد و حسینیه و امثال این‌ها نمود که گر چه می‌دانیم در برنامه‌ی مدون شهرداری چنین الزاماتی هست، لیکن عموماً غفلت می‌شود.

لازم به یادآوری است که حل اساسی چالش‌هایی از این دست، نیازمند کشف راه حل اساسی به وسیله‌ی کارگاهی متشکل از دو قسم کارشناس معماری و مذهبی می‌باشد تا زیر نظر مقام حقوقی مسؤؤل همچون شورای شهر یا روستا با حفظ مزیت‌های این پدیده‌ی مدرن از آسیب‌های ارزشی آن جلوگیری به عمل آید.

بر این اساس می‌بینیم در توصیه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام به شوراهای اسلامی روی این نکات تأکید شده است:

شوراهای شهری در فعالیتهای خود به مختصات «شهر اسلامی» توجه کرده و خدمات شهری را در جهت تأمین این مقصود به کار گیرند و به خصوص به معماری و شهرسازی متناسب با حیات طبیعی اسلامی به طور کامل توجه کنند. در فهرست خدماتی که شوراها به آن می‌پردازند باید حفظ هویت و اصالت شهرها و روستاها و پای‌بندی به معماری اسلامی و ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام بناها و ترویج فرهنگ نظم و قانون و گسترش نمادهای دین و اخلاق و... مد نظر قرار گیرد.^{۱۳}

۲) در ارتباط با بناهای ملی - مذهبی

در این ارتباط نیز می‌توان از پتانسیل اندیشه‌ی نیروهای جوان در خلق آثار شگرفی بهره جست. به عنوان نمونه به طرز معماری بدیع و منطبق با شرایط پیشرفت تکنولوژی به دو اثر در غرب توجه می‌کنیم؛ یکی بنای مجلس جدید آلمان (گنبد رایشتاگ) و دیگری هرم ورودی موزه‌ی لوور در پاریس، که ضمن خلق ظاهری تکنولوژیک، از مفاهیم ساختاری فضایی و مصالح جدیدی بهره‌جسته است.

در مجلس جدید آلمان، گنبد اجرا شده با فناوری نو، به صورت شیشه‌ای و شفاف، نمایان‌گر شفافیت فرایندهای پارلمانی و پیوند کشور کهن و تاریخی با عصر مدرن است، که البته جذابیت خاص خود را دارد. بنای ورودی موزه‌ی لوور نیز یک هرم شیشه‌ای است که به نوعی به سمبل این موزه تبدیل شده است. این پروژه در عین پویایی و تنوع، نمونه‌ای بارز در همسازی با بنای کلاسیک مجاور خود است.

استفاده از فناوری ساخت و مصالح نوین در ایجاد شفافیت فضایی متناسب با مکان و کاربرد بنا و همچنین بهره‌گیری از نور و ویژگی‌های آن می‌تواند زمینه‌ای قوی جهت تأکید بر بنای تاریخی در کنار بنای معاصر به وجود آورد. همچنین بهره‌گیری صحیح از نور، فضای نورانی و شفافیت فضایی به دلیل ویژگی‌های

خاص خود (وضوح و تداوم و...)، می‌تواند در تقویت ویژگی‌های محیطی و شهری به صورت مطلوب عمل کند^{۱۴} (ر.ک: آصفی و ایمانی، ۱۳۹۱).

نمونه‌ی دیگر، طرح وطنی «مجموعه‌ی همایش‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» (سالن اجلاس سران) که در تاریخ دی ماه ۱۳۷۶ به مناسبت کنفرانس سران کشورهای اسلامی در دامنه‌ی زیبای حاشیه‌ی رشته کوه البرز افتتاح گردید. این سالن به سیستم‌های گوناگون کنفرانس مجهز گردیده، جهت برگزاری برنامه‌های داخلی و بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد^{۱۵}.
از نمونه‌های شگرف دیگر، طرح برج میلاد تهران است که از سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را آغاز نموده است.

مجموعه‌ی کاربردی، تجاری، تفریحی برج میلاد با کارایی ارتباطات بین‌المللی (برج مخابراتی)، مرکز همایش‌های بین‌المللی، هتل پنج ستاره، مرکز تجارت جهانی و موقعیت‌های جالب سیاحتی تفریحی هم اکنون مورد بهره‌برداری قرار دارد^{۱۶}.

نتیجه‌گیری

مسکن از ضروری‌ترین نیازهای زندگی است و آنگاه که زندگی به صورت جمعی در قالب شهر اداره می‌شود، انتظاراتی نسبت به همدیگر پیدا می‌کنند که پاره‌ای از آنها انتظارات اخلاقی و پاره‌ای دیگر تحت عنوان حقوق نموده می‌شوند.

دین اسلام به عنوان منشور الهی زندگی به هر دوی این‌ها نظر داشته و آنها را محترم شمرده است.

ما باور نداریم که انسان‌ها بدون تکیه بر شانیه‌ی گذشتگان خود از سویی و از سوی دیگر بی‌نیاز از تجارب سایر هموعان خود در سایر اقلیم‌ها هستند. بر این اساس بهره‌گیری از سبک و روش نیاکان و نیز استفاده از ابداعات و نوآوری‌های

خارج از این مرز و بوم امر معقول و مقبولی است، لیکن در صورتی که عقلانیتی به همراه آن باشد و سازگاری با شرایط محیطی و انسانی موجود ما داشته باشد و همچنین تعارضی با ارزش‌های ملی و دینی نداشته باشد. در غیر این صورت وام‌گیری هنر و هر نمود فرهنگی دیگری تقلید نادرست تلقی می‌شود.

با این حال، اقتضای خرد این است که در بهره‌گیری از تجارب ارزنده و آماده‌ی دیگران و یا تبعیت از سنت دیرینه‌ی گذشتگان مان، همواره اصول سازه و کلیت سبک و طرح مد نظر باشد نه جزئیات و فروع تکمیلی و تزئینی، زیرا این قسمت از طرح، همانا روش و شیوه‌ی انجام و اجرا هستند که معمولاً همخوان شرایط انسانی و آب و هوایی می‌باشند.

بایسته در تأکید بر هویت ملی و دینی التفات به این نکته است که سبک فرهنگ و زندگی، بهره‌گیری از شیوه‌ی پسندیده‌ای است که فراخوان ارزش‌های دینی و ملی ما باشد و هنر معماری شهری بارزترین تابلوی معرف هویت فعلی، و نمودی از تقویم فرهنگ و زمانه‌ی ما می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱) <http://farsi.khamenei.ir>، از بیانات معظم‌له در جمع مهمانان اجلاس

سراسری نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۲) ر.ک: «هنری به نام معماری سنتی» سایت سیمرخ:

<http://www.seemorgh.com/culture/2482/151361.html>

۳) ر.ک: به مقاله‌ای از علی نجفی:

www.shareh.com/persian/magazine/maktab_i/81/07/n.htm

۴) <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۹۰/۲/۱۰.

۵) همان، در اجتماع مردم قم، ۱۳۹۰/۷/۲۷.

۶) ماده‌ی ۲: دولت موظف است براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نظام

نامه‌ی پیوست فرهنگی که تا پایان سال اول برنامه به تصویب شورای عالی

انقلاب فرهنگی می‌رسد، نسبت به تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم

و جدید اقدام نماید. www.basresi.ir پورتال سازمان بازرسی کل کشور.

۷) عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدَقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَ مَنَزَلُ الْأَنْصَارِيِّ بَبَابِ الْبُسْتَانِ وَكَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نَخْلَتِهِ وَلَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمْرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَشَكَاَ إِلَيْهِ وَخَبَرَهُ الْخَبَرَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَخَبَرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَمَا شَكَاَ وَقَالَ إِنْ أَرَدْتَ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنْ فَأَبَى فَلَمَّا أَبَى سَأَوَّمَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ التَّمَنِّ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ فَقَالَ لَكَ بِهَا عَدَقٌ يَمُدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِلْأَنْصَارِيِّ اذْهَبْ فَأَقْلَعُهَا وَارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ (كليني، ۱۳۶۵، ۲۹۲/۵).

۸) به عقیده‌ی فقها برای جلوگیری از متضرر شدن همسایگان و پرهیز از تعرض بصری به حریم خانه دیگران، باید هر عاملی را که باعث در معرض دید قرار گرفتن فضای داخلی خانه‌ها شود، حذف نمود. فقها در موارد گوناگون، در رابطه با طراحی سه عنصر خارجی (درب ورودی، پنجره، ارتفاع و زائده‌های مرتفع) و ارتفاع بنا که می‌توانست منجر به تعدی بصری به حریم خانه گردد، اقدام به صدور حکم نموده‌اند (مرتضی، ۱۳۸۷، ۱۳۷؛ عبدالستار، ۱۳۷۶، ۳۷ و علی‌آبادی، ۱۳۸۹).

۹) برداشت از: علی‌آبادی، ۱۳۸۹ از:

<http://www.iust.ac.ir/find.php?item=69.9741.22378.fa&sw=%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF+%D8%B9%D9%84%DB%8C+%D8%A2%D8%A8%D8%A7%D8%AF%DB%8C>
10. <http://web.sharnameh.ir/%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C>

۱۱) ساروج از ابتکارات معماران ایرانی در دوران بسیار کهن است. برای ساختن آن نخست خاک رس و آهک را به نسبت شش و چهار مخلوط می‌کنند و گلی سفت می‌سازند و دو روز آن را ورز می‌دهند. بعد، قسمتی از خاکستر کوره‌های حمام را با مقداری مواد الیافی لوثی یا لوخ (تخم و

پرزهای نوعی نی است) به آن اضافه می‌کنند و مخلوط تازه را با چوب‌هایی به قطر ده سانتیمتر می‌کوبند تا به خوبی با هم عجین شوند (از ویکیپدیا فارسی).

(۱۲) برای نمونه از امکان چنین طرحی به دو نمونه‌ی موجود در مشهد اشاره می‌شود: یکی معماری پروژه ششصد دستگاه؛ و دیگری آپارتمان‌های مرتفع آستانقدس در اول بلوار فردوسی است. در بعضی جاهای دیگر نظایر ناقصی هم وجود دارد که چشم‌گیر نیست.

(۱۳) <http://farsi.khamenei.ir>، از پیام معظم‌له به شوراهاى اسلامى

۱۳۸۶/۲/۸

(۱۴) ر.ک:

<http://www.wikipedia.org>, 2011. The transparent dome, represents the transparency of the parliamentary process, The Reichstag parliamentary building Source: Powell, 2005. The role of new technologies in creating transparency in Louvre Pyramid Source: <http://www.wikipedia.org>, 2011.

(۱۵) رجوع کنید به سایت ایران مجری:

<http://www.iranmojri.com/khadamat/hull/710-sas.html>

(۱۶) رجوع کنید به سایت برج میلاد تهران

<http://www.tehranmiladtower.ir/>

منابع و مآخذ

(۱) قرآن کریم.

(۲) امام علی علیه السلام (۱۳۹۵ق)، نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، افست ایران، قم، انتشارات الهجره.

(۳) آصفی، مازیار و ایمانی، الناز (۱۳۹۱)، «چالش‌های فناوری‌های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش‌های معماری اسلامی ایران»، باغ نظر، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر،

شماره‌ی ۲۱، سال نهم، تابستان.

۴) برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیه.

۵) بنیانیان، حسن (۱۳۹۲)، «امر به معروف و نهی از منکر ماهیت پیوست فرهنگی»، نشریه‌ی رصد ۲۴ (ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خراسان).

۶) پاشا، ابراهیم (۱۳۷۸)، *نهضت کوفه از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، نشر آتیه.

۷) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ آثار معظم له <http://farsi.khamenei.ir>.

۸) علی‌آبادی، بیژن (۱۳۹۲)، «کنکاشی در معماری از واقعیت تا روایت»، سایت انجمن مفاخر معماری ایران، اخبار و مقالات: مقالات معماری و شهرسازی <http://ammi.ir>.

۹) علی‌آبادی، محمد و هاشمی، مجید طغرالجردی (۱۳۸۹)، «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی»، نشریه‌ی علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره اول.

۱۰) جلال وند، امین (۱۳۹۱)، سایت تبیان زنجان،

<http://www.tebyan-zn.ir/news-article/society/citizenshiprights/2012/12/31/89635.html>

۱۱) حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین.

۱۲) حیدری، محمد مهدی (۱۳۸۷)، «جستاری در باب منار»، فصلنامه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۴ تابستان.

۱۳) شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین.

۱۴) ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۰۵ق)، *عوالی الآلی*، ۴ جلد، قم، انتشارات سیدالشهداء علیه السلام.

- ۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ۸ جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۶) حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة الی تحصیل الشریعه*، ۲۹ جلد، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ۱۷) محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، ۱۸ جلد، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ۱۸) عبدالستار، عثمان، محمد (۱۳۷۶)، *مدینه اسلامی*، ترجمه‌ی علی چراغی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۹) سیفیان، محمد کاظم، (۱۳۷۷)، «قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی»، فصلنامه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۷۳-۷۷/۳.
- ۲۰) کاظمیان، سید تقی (۱۳۸۷)، «فلسفه‌ی وجودی گنبد و گلدسته در مساجد»، سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن.
http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=237457.
- ۲۱) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت»، تهران، نشر میزان.
- ۲۲) مرتضی، هشام، (۱۳۸۷)، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*، ترجمه‌ی ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۲۳) وفامهر، محسن (۱۳۹۲)، *سیری در اندیشه‌های تکنولوژی معماری*، مشهد، دانشگاه امام رضا علیهم‌السلام.
- ۲۴) ولی‌پور، ابراهیم، (۱۳۸۷)، *قانون مدنی*، تهران، نشر مهکامه.
- ۲۵) پوریزدان پرست (۱۳۸۹)، «شهر و شهرسازی اسلامی»، سایت برنامه‌ریزی شهری.